

ک، گ، ل

بخش «اصول» کتاب کافی را با عنوان تحفة الأولیاء به فارسی ترجمه کرده که به قلم محمد مرادی (قم، ۱۳۸۷ش) در چهار جلد منتشر شده است.

پس از کافی، دیگر کتاب از کتب اربعه کتاب من لا یحضره الفقیه، نوشته محمد بن علی بن حسین، مشهور به ابن بابویه قمی یا شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق) است (برای گزارشی کوتاه از کتاب، نک: همان، ج ۲۲، ص ۲۳۲-۲۳۳). او در آغاز کتاب اشاره کرده است که در یکی از سفرهایش با ابو عبدالله محمد بن حسن بن اسحاق، معروف به «نعمت»، از سادات مقیم در بلخ، در ایلاق، نزدیک چاچ، دیداری داشته است. سید مذکور از شیخ صدوق درخواست کرده است که کتابی برای او در احکام، مانند کتاب من لا یحضره الفقیه رازی، تألیف کند تا نیازی به مراجعه به آثار متعدد نداشته باشد (برای بحث درباره کتاب او، نک: شوشتری، ص ۵۱-۸۳). شیخ صدوق، به شیوه‌ای متفاوت با شیوه کلینی، تنها یک دوره احادیث فقهی را براساس ابواب فقه در کتاب خود تدوین کرده است. و علاوه بر آن، در نقل احادیث، اسناد روایت کتابهای مورد استفاده خود را، که در آغاز کتاب به نام برخی از آنها اشاره کرده، در سراسر آن حذف کرده و بخش جداگانه‌ای به نام «مشیخه» در آخر آن آورده است (برای توضیح درباره «مشیخه» و شیوه صدوق در این بخش از کتابش، نک: همان، ص ۸۷-۱۲۲). شیخ صدوق در بخش «مشیخه»، فهرست منابع مورد استفاده خود را که در متن کتاب تنها به نام مؤلفان آنها اشاره کرده آورده و روش خود را در روایت آنها نقل کرده است. شرح مختلفی بر کتاب من لا یحضره الفقیه نوشته شده است که از جمله مهم‌ترین آنها باید به شرح فارسی محمد تقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰ق) به نام کتاب

کتاب اربعه. عنوانی در اشاره به چهار کتاب اصلی حدیثی شیعه. نخستین آنها که از نظر تاریخی هم نخستین کتاب جامع در احادیث و اخبار شیعه است کافی، تألیف ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۸ یا ۳۲۹ق)، اهل روستای «کلین» واقع در سی و هشت کیلومتری جنوب غربی ری است. کتاب کافی مشتمل بر سه بخش «اصول»، «فروع» و «روضه» است. شیوه و تبویب کلینی در نگارش کتابش از سه کتاب دیگر متمایز است. او در بخش «اصول» شرح حال ائمه امامیه را، به همراه احادیثی در لزوم تبعیت از امام، گردآوری کرده است. در بخش «فروع»، احادیث فقهی براساس ابواب فقهی طهارت تا دیانت تدوین شده و سرانجام در بخش «روضه»، احادیث اخلاقی فراهم آمده است. کلینی، در مقدمه کوتاه خود بر کتاب، به خواهش کسی که از او خواسته است که اثری جامع برای او تألیف کند، اشاره کرده است. درباره هویت آن کس اطلاعاتی در دست نیست. کافی از همان زمان تألیف شهرت و تداول گسترده‌ای در سنت امامیه داشته است و عالمان برجسته امامی بغداد و قم به روایت و حتی کتابت آن مشغول بوده‌اند (برای گزارشی درباره کتاب کافی، نک: آقابزرگ تهرانی، ج ۱۷، ص ۲۴۵-۲۴۶). بر کتاب کافی شرح و تعلیقات متعددی به فارسی و عربی، عموماً در دوره صفویه، نوشته شده است (برای این شرح، نک: همان، ج ۱۴، ص ۲۶-۲۸). از جمله شرح فارسی آن می‌توان به معروف‌ترین آنها به نام الصافی فی شرح الکافی، تألیف ملاخلیل قزوینی (متوفی ۱۰۸۹ق)، و از مهم‌ترین شرح‌های عربی آن باید به کتاب مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول محمد باقر مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ق) اشاره کرد. محمد علی بن محمد حسن اردکانی (زنده در ۱۲۳۷ق)

الإجابة المفصلة للسئلة العشرة الكاملة

للإمام أبي الحسن محمد بن يحيى الكنوي الندي

ولد ١٢٦٤ وتوفي ١٣٠٤ هـ

رحمه الله تعالى

وهي أجوبة جامعة محررة عن حكم الإسناد، والعمل بالحدِيث الضعيف، وحال كتب الحديث المستندة، وما يحتاج به منها، ودفع تعارض أقوال الهدّثين، ومباحث النسخ والجمع والترجيح، مع تجلّة دقيقة لمباحث شائعة في علوم الحديث

وعليه

التعليقات الحافلة على الأجوبة المفصلة

بقلم

عبد الفتح أبو غدة

الناشر

مكتب المطبوعات الإسلامية

حلب - باب الحديد - مكتبة النهضة - هاتف ٣٥٢٩١

بيروت ص.ب ٦٣٤٧ هاتف ٢٢٥٢٧

Kütüphane-i Araba (66-77)

Türkiye Diyanet Vakfı
İslam Ansiklopedisi
Etiler hanesi

924

297.3

184.6

أنّ فيها غير الحسن من الصحيح والضعيف .

وذكر النووي^(١) أنّ في « السنن » الصحيح والحسن والضعيف والمنكر، ومن ههنا اعترضوا على تسمية صاحب « المصابيح » أحاديث « السنن » بالحسان: بأنه اصطلاح لا يعرف عند أهل الفن .
وذكر العراقي^(٢) أنه قد تساهل من أطلق الصحيح على كتب « السنن »، كأبي طاهر السلفي حيث قال في « الكتب الحسنة » :
اتفق على صحّتها علماء المشرق والمغرب . وكالحاكم حيث أطلق على « جامع الترمذي » : الجامع الصحيح، وكذلك الخطيب^(٣) أطلق^(٤) عليه اسم الصحيح .

وذكر الذهبي « في سير أعلام النبلاء »^(٥) أنّ أعلى ما في كتاب

أبي داود « من الثابت :

ما أضرمه الشيطان، وذلك نحو شطر الكتاب .

ثم يليه : ما أخرجه أحد الشيخين ورغب عنه الآخر .

(١) في « التقريب » : (ص ٩٥) بشرح « التدريب » للسيوطي .

(٢) في « شرح ألفيته » : (١٠٤/١) .

(٣) عبارة العراقي في « شرح الألفية » : (١٠٤/١) : « وكذا الخطيب أطلق

عليه وعلى التّسائي اسم الصحيح . »

(٤) وقع في الأصل : (أعلام سير النبلاء) . وهو سبق قلم .

السؤال الثاني

في كيفية أحاديث السنن الأربعة وغيرها من كتب الحديث

هل كل ما في هذه الكتب الضخام كـ « السنن الأربعة » ،
وتصانيف البيهقي، وتصانيف الدارقطني والحاكم وابن أبي شيبة،
وغیرها من الكتب المشتهرة من الأحاديث المجموعة : صحيح لذاته
أو لغيره؟ أو حسن لذاته أو لغيره؟ أم لا؟

الجواب

ليس كل ما في هذه الكتب وأمثالها صحيحاً أو حسناً، بل هي
مشمّلة على الأخبار الصحيحة والحسنة والضعيفة والموضوعة .

أما كتب « السنن » : فذكر ابن الصلاح^(١) والعراقي^(٢) وغيرهما

(١) في « مقدمته » في التنبيه التاسع من مبحث (الحسن) : (ص ٤٧) .

(٢) في « شرح ألفيته » : (١٠١/١) .

به نظر درست نمی آید. از تعبیر «ایده الله» درباره شیخ مفید، در مقدمه کتاب و بارها در جلد نخست و دوبار در آغاز جلد دوم، و تبدیل آن به «رحمة الله» پس از آن، معلوم می شود که تألیف تهذیب در حیات شیخ مفید آغاز شده و پس از وفات وی (رمضان ۴۱۳) ادامه و پایان یافته است (ع شیبیری، ۱۴۲۰، ص ۱۸۶).

تهذیب الاحکام نخستین تألیف شیخ طوسی بوده و در آن به هیچیک از آثار مؤلف اشاره نشده، ولی او در دیگر آثار خود بارها به این اثر ارجاع داده است (برای نمونه ع طوسی، النهایة، ص ۲۳۵، ۲۴۳؛ همو، الجمل والعقد، ص ۱۶۰؛ همو، کتاب الخلاف، ج ۴، ص ۱۵، ۱۱۰؛ همو، المبسوط، ج ۱، ص ۳۵۶، ج ۷، ص ۱۲۳؛ همو، التبیان، ج ۳، ص ۱۲۱؛ نیز بیش از صدبار در مقدمه و متن استبصار با تعبیری چون تهذیب الاحکام، کتابنا الکبیر و الکتاب الکبیر ع ج ۱، ص ۲، ۱۰، ۱۴، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۵۵، ۱۷۵). به نوشته مؤلف در استبصار (ج ۱، ص ۳-۲)، تألیف این کتاب پس از پایان تألیف تهذیب و انتشار آن آغاز شده است. همچنین در اوایل کتاب العدة فی اصول الفقه او که در آغاز تألیف آن، الذریعة شریف مرتضی (نگاشته شده در ۴۳۰) تألیف نشده بود (ع علم الهدی، قسمت ۱، مقدمه گرجی، ص سی و پنج، سی و هفت؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۱، ص ۲۶) - به تهذیب و استبصار اشاره شده (ج ۱، ص ۱۲۷) و نشان می دهد که تألیف این دو اثر پایان یافته بوده است. لذا، به نظر نمی رسد که تألیف تهذیب چندان به طول انجامیده باشد (قس مدیر شانه چی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴۰).

شیخ طوسی در ضمن شرح حال خود در فهرست (ص ۴۴۷)، نام ۲۳ باب اصلی (اصطلاحاً کتاب) از ابواب فقه را برای تهذیب برشمرده و گفته که استبصار و نهایی نیز همین مباحث را دارند، ولی ابواب «شهادت» و «اطعمه و اشربه» تنها در این دو اثر به استقلال مطرح شده است نه در کتاب تهذیب، باب زیارات هم تنها در تهذیب ذکر شده نه در نهایی و استبصار. بنا براین، تهذیب شامل ۲۱ کتاب فقهی است و نامهای مذکور در فهرست، ترفیقی از نامهای ابواب تهذیب و ابواب نهایی و استبصار است. بر طبق شماره گذاری نسخه چاپ تهذیب، این کتاب مشتمل بر ۴۰۹ باب (۲۸ باب آن ابواب «زیادات» در سه جلد نخست می باشد که تکرار ابواب قبلی است) و ۱۳۹۸۸ حدیث است، ولی بنا بر شمارش محدث توری (۱۴۱۵-۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۱۵)، ۲۹۳ باب و ۱۳۵۹۰ حدیث دارد. این اختلاف از عواملی چون اشتباه در شمارش یا مستقل دانستن یا ندانستن برخی ابواب و احادیث ناشی شده است.

تهذیب و مقنعه. تهذیب به عنوان شرح مقنعه شیخ مفید نوشته شده و طرح نخستین آن بر پایه شرح کامل تمام مسائل مقنعه با استدلال به ادله قطعی (مانند قرآن، سنت متواتر، سنت

غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۶۸ ش؛ عبدالرزاق کاشی، شرح منازل السائرین، چاپ محسن بیدارفر، قم ۱۳۷۲ ش؛ محمدبن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ خلیل بن احمد قراهیدی، کتاب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۵؛ محمدبن شاه مرتضی فیض کاشانی، الحقایق فی محاسن الأخلاق، چاپ محسن عقیل، [قم] ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ عبدالکریم بن هوزان قشیری، الرسالة القشیریة، چاپ عبداللطیف محمود و محمودبن شریف، قاهره [بی تا]؛ چاپ افست قم ۱۳۷۴ ش؛ احمدبن محمد مسکویه، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، چاپ حسن تمیم، بیروت [؟ ۱۳۹۸]؛ چاپ افست قم ۱۴۱۰؛ احمدبن محمد میبدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، چاپ علی اصغر حکمت، تهران ۱۳۶۱ ش؛ احمدبن عمر نجم الدین کبری، الاصول العشرة: رساله در بیان طریقت شطار، ترجمه و شرح عبدالغفور لاری، چاپ نجیب مایل هروی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ عبداللّه بن محمد نجم رازی، مرصاد العباد، چاپ محمدامین ریاحی، تهران ۱۳۵۲ ش؛ ضیاء الدین خشبی، سیلک السلوک، چاپ غلامعلی آریا، تهران ۱۳۶۹ ش؛ احمدبن محمد مهدی نراقی، کتاب معراج السعاده، تهران: جاویدان [بی تا]؛ محمدبن محمد نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، چاپ مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران ۱۳۶۰ ش؛ نعمه الله ولی، رسائل حضرت سید نورالدین شاه نعمت الله ولی کرمانی قدس سره، ج ۳، چاپ جواد نوربخش: رساله بیان اصطلاحات، [تهران] ۱۳۴۲ ش؛ مسعودبن عیسی ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، [چاپ علی اصغر حامد]، تهران [؟ ۱۳۷۶]؛ علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، چاپ و ژرکوفسکی، لنینگراد ۱۹۲۶، چاپ افست تهران ۱۳۵۸ ش؛ یحیی بن عدی، تهذیب الاخلاق، با مقدمه و تصحیح و ترجمه و تعلیق محمد دامادی، تهران ۱۳۶۵ ش.

/ پروانه عروج نیا /

تهذیب الاحکام، از منابع مهم فقهی و یکی از کتابهای چهارگانه حدیث شیعه، اثر محمدبن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، دانشمند امامی قرن پنجم.

به نوشته مؤلف در مقدمه کتاب (ج ۱، ص ۳-۲)، یکی از دوستان وی از وجود احادیث بظاهر متعارض در منابع شیعی با او سخن گفته و یادآور شده که این موضوع موجب انتقاد شدید مخالفان و جدانشدن برخی شیعیان نا آگاه از مذهب حق گردیده است، لذا از مؤلف درخواست کرده که شرحی استدلالی بر کتاب مقنعه شیخ مفید بنگارد که در آن علاوه بر ذکر مستندات قطعی هر مسئله و احادیث مشهور، احادیث متعارض هم آورده شود و شیوه رفع ناسازگاری این احادیث با یکدیگر و تأویل آنها یا وجوه ضعف احادیث متعارض بیان گردد. کتاب تهذیب در پاسخ به این درخواست تألیف شد و در واقع، خاستگاهی کلامی دارد (نیز ع عابدی، ص ۳۳-۳۵). این سخن که تهذیب به توصیه شیخ مفید نگاشته شد (خوانساری، ج ۶، ص ۲۳۰)،

نظامی و تفسیر سورة فاتحه نیز خوانده می شود (منزوی، خطی مشترک، ۵۴-۵۳/۱، فهرست نسخه ها... ۳۷/۱؛ استوری، ۱۷۷-۱۷۸؛ نوشاهی، ۶؛ چیمه، همان، ۲۱۱-۲۱۳).

۴. رساله حقیقت، یا رساله حقیه یا رساله فی التوحید، که در بیان مرتبه توحید است (منزوی، همان، ۶۰۰/۲، فهرستواره، ۲۳۸/۷، ۳۰۹؛ بلوشه، II/118).

۵. رساله بلخیه، که در پاسخ به اعتراضات علمای بلخ و اثبات جایز بودن سماع نوشته شده است (غلام سرور، رحمان علی، همانجا؛ چیمه، همان، ۲۱۳).

۶. رساله ای بی نام درباره اسرار الهی یا لاهوت (عباسی، ۱۳۵؛ منزوی، همان، ۷۹۳/۷؛ چیمه، همان، ۲۱۶؛ بلوشه، همانجا).

۷. رساله مظاهر، که به نثر آمیخته به نظم و درباره عالم و مراتب پنجگانه ظهور است (منزوی، همان، ۸۹۷/۸، خطی مشترک، ۱۹۳۶/۳).

۸. رساله شرح ایاکم و الأمران، در شرح حدیثی که وی از پیامبر (ص) می داند (همو، فهرستواره، ۵۳۰/۷، خطی مشترک، ۱۵۸۶/۳).

مآخذ احمد سرهندی، مکتوبات، استانبول، ۱۳۳۱ق؛ استوری، ج. ۱، ادبیات فارسی، ترجمه به روسی، یو. ا. برگل، ترجمه یحیی آرین پور و دیگران، تحریر احمد منزوی، تهران، ۱۳۶۲ش؛ بشیرحسین، محمد، فهرست مخطوطات شیخ، لاهور، ۱۹۷۲م؛ تورک جهانگیری، به کوشش سیداحمد، علیگره، ۱۲۸۱ق/۱۸۶۴م؛ چشتی، عبدالرحمان، مرآة الاسرار، ترجمه علی اصغر چشتی صابری، لاهور، ۱۴۱۱ق؛ چشتی صابری، علی اصغر، شمیم ولایت، لاهور، ۱۹۹۳م؛ چیمه، محمداختار، «شیخ نظام الدین تھانگیری»، دانش، اسلام آباد، ۱۳۶۹ش، ش ۲۳؛ همو، مقام شیخ فخرالدین عراقی در تصوف اسلامی، اسلام آباد، ۱۳۷۲ش؛ رحمان علی، محمداختار، تذکره علمای هند، لکهنو، ۱۹۱۴م؛ صدیقی، ساجد الرحمان و محمدمتین هاشمی، فهرست مخطوطات مرکز تحقیق دیال سنگو شریت لائبریری، لاهور، ۱۹۷۵م؛ عباسی، منظور احسن، تفصیلی فهرست مخطوطات فارسیه، لاهور، ۱۹۶۳م؛ عبدالحمی، نزهة الخواطر، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م؛ غلام سرور لاهوری، خزینة الاصفیا، کانپور، ۱۸۹۴م؛ غوثی شطاری، محمد، گلزار ابرار، به کوشش محمذنکی، پنته، ۱۹۹۴م؛ قدوسی، اعجاز الحق، تذکره صوتیائی سرحد، لاهور، ۱۹۶۶م؛ منزوی، خطی مشترک؛ همو، فهرست نسخه های خطی کتابخانه کنج بخش، اسلام آباد، ۱۳۵۷ش؛ همو، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران، ۱۳۸۲ش؛ نوشاهی، عارف، فهرست نسخه های خطی فارسی موزة ملی پاکستان کراچی، اسلام آباد، ۱۹۸۳م؛ نیز:

Blochet, E., *Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque nationale*, Paris, 1905; Rizvi, A. A., *A History of Sufism in India*, New Delhi, 1986; Storey, C. A., *Persian Literature*, London, 1927-1939; حسین خندق آبادی

تهذیب الاحکام، عنوان مجموعه ای در احادیث فقهی از

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (د ۴۶۰ق/۱۰۶۸م)، سومین کتاب از کتب اربعه امامیه. از شیخ طوسی به عنوان فقیهی برآمده از محفل متکلمان بغداد، انتظار نمی رفت که به گردآوری مجموعه ای حدیثی دست یازد؛ با این همه، موضع او در قبال حجیت اخبار آحاد، اقتضا داشت تا وی مباحث اخبار فقهی را به

او به مکه در ۱۰۱۴ق، و بازگشتش به هند احتمالاً در ۱۰۲۰ق بوده است. برخی منابع نیز به دوبار تبعید او - یک بار به حجاز و بار دیگر به بلخ - اشاره کرده اند و این امر با این واقعیت که وی پس از بازگشت به تھانیسر به دلیل نامعلومی آنجا را ترک گفت و به بلخ رفت، هماهنگی دارد (رحمان علی، ۲۴۱).

تھانیسری باقی عمر را در بلخ به تربیت شاگردان و مریدان بسیار خود گذراند و پس از مرگش در ۱۰۳۶ق/۱۶۲۷م (یا بنا بر برخی روایات ۱۰۲۴ق/۱۶۱۵م) در همانجا به خاک سپرده شد (غلام سرور، ۴۶۵/۱؛ چشتی، رحمان علی، عبدالحی، همانجاها). وی فرزندان بسیاری داشت که برخی از آنها در بلخ ماندند و بعضی دیگر به هند رفتند. مهم ترین جانشین وی نیز، خواجه ابوسعید گنگوهی بود (غلام سرور، ۴۶۵-۴۶۶).

تھانیسری اهل شعر و سماع، و آگاه از علوم غریبه بود و در تربیت مریدان مهارت داشت (چشتی، ۱۱۹۱-۱۱۹۲؛ غلام سرور، ۴۶۲/۱). وی حنفی مذهب و وابسته به طریقه چشتی صابری بود، اما مشرب خاص خود را داشت. نظام الدین در تصوف پیرو طریق عشق بود و این امر از شرحهایی که بر سوانح غزالی و لمعات عراقی نوشته است، آشکار می شود (همانجا؛ چیمه، «شیخ نظام الدین...»، ۲۲۴-۲۲۵). به علاوه، نظام الدین از معتقدان به وحدت وجود بود و این موضوع، صوفی مشهور معاصر او، احمد سرهندی را که از قائلان به وحدت شهود و مخالفان وحدت وجود بود، به واکنش واداشت، تا آنجا که در چند نامه خود به نظام الدین، ضمن انتقاد از برخی رفتارها و آداب پیروان او، کوشید تا به زعم خود شبهات موجود را برطرف کند و موضع نظام الدین را اصلاح نماید (نک: احمد سرهندی، ۳۷-۴۴؛ نیز رضوی، II/266). متأسفانه درباره پاسخهای احتمالی نظام الدین به این نامه ها شواهدی در منابع یافت نمی شود.

آثار: با آنکه در بیشتر منابع به درس ناخوانده بودن نظام الدین اشاره شده است، اما همه منابع او را صاحب کتابها و رسائلی دانسته اند که از آن جمله است:

۱. شرح لمعات عراقی، که نظام الدین در مدت اقامت خود در حجاز، بخشی از آن را در مکه، و بخشی را در مدینه نوشته است و نسخه های خطی آن با نامهای تجلیات جمال و معدن الاسرار موجود است (بشیرحسین، ۲۸۶؛ صدیقی، ۷۱۱-۷۲؛ منزوی، فهرستواره... ۲۴۲/۷؛ چیمه، مقام... ۳۱۷، «شیخ نظام الدین»، ۲۱۸-۲۲۲؛ استوری، II/18).

۲. بحر التصوف، که شرحی بر سوانح العشاق احمد غزالی است (عباسی، ۱۶۰).

۳. تفسیر سورة فاتحه و بخشهای دیگری از قرآن از جمله جزءهای ۷، ۲۹ و ۳۰، که نسخ خطی آن هر یک در بردارنده بخشهایی از این تفسیر است و با نامهای ریاض القدس، تفسیر

والجمع بينها، شرحه وعلق عليه - لأهميته - كثير من علماء وأعلام الطائفة منذ القرن الخامس حتى اليوم.

وهذا الكتاب من أبرز شروحه وأهمها؛ لاشتماله على ميزات وفوائد غزيرة فريدة يعسر وجودها في غيره، خصوصاً في المسائل الدرائية والرجالية.

مقدمته تضمنت اثنتي عشرة فائدة، ومباحثه قد قُسمت تقسيمات رباعية؛ إذ تُذكر الرواية أو الروايات التي في الاستبصار وقول الشيخ في جمعها، ثم الكلام في السند وما يتعلّق به من شرح أحوال رجاله؛ للخروج بتبيحة رجالية نافعة، بعد ذلك الشروع في بحث النص، وبيان وجوه الرواية، والمعاني التي يمكن أن تحتملها، وقد تُشرح - إذا استدعت الحاجة - معاني الألفاظ اللغوية لبعض الروايات.

الاستنباريون

هي سلالة من الأمراء المازندرانيين المحليين الذين حكموا في رستمدار، ورويان، ونور، وكجور، ولاريجان، فيما بعد آمل وغيلان خلال القرن الرابع الهجري.

وقد ورد ذكرهم لأول مرة في حوادث عام ٣٣٦هـ، وعثر على نقود ضربت باسمهم خلال عام ٣٣٧، وعام ٣٤٣هـ. في مضرب النقد في آمل.

ويرجع استنباريو العصر السلجوقي والعصور التالية، نسبهم إلى بادوسبان أخي دابويه جد سلالة الدابويين في مازندران. وهذان الأخوان هما ابنا كيل بن كيلانشاه المعروف بـ«كاوباره» الذي قدم من أرمينيا إلى إيران خلال سلطنة الملك يزدجرد الثالث، وحصل من هذا الملك الساساني على ولاية طبرستان.

ويرى البعض مثل: أولياء الله الأملي، وظهير الدين المرعشي أن حكومة الاستنباريين تبتدىء في عام ٤٠هـ، وهما يذكران أسماء ملوكهم بالتفصيل، ويحددون سنوات حكمهم حتى زمانهما.

من المحتمل أن يكون الاستنبار لقباً يشبه لقب

استشهد إفادة مآب حاوي المعقول والمنقول جامع الفروع والأصول الشيخ زين الدين العاملي وكان السبب في شهادته أن جماعة من السنين قالوا لرستم باشا الوزير الأعظم للسلطان سليمان ملك الروم إن الشيخ زين الدين يدعي الاجتهاد ويتردد إليه كثير من علماء الشيعة ويقرؤون عليه كتب الإمامية وغرضهم بذلك إشاعة التشيع، فأرسل رستم باشا الوزير في طلب الشيخ زين الدين وكان وقتئذ بمكة المعظمة فأخذوه من مكة وذهبوا به إلى استنبول فقتلوه فيها من غير أن يعرضوه على السلطان سليمان اهـ. ومهما يكن من أمر فالسبب في شهادته لا يخرج عن التشيع. وعن خط السيد علي الصائغ تلميذ الشهيد الثاني أنه رحمه الله أسر وهو طائف حول الكعبة واستشهد يوم الجمعة في رجب تالياً للقرآن على محبة أهل البيت والحال أنه غريب ومهاجر إلى الله سبحانه وختم له بحج بيت الله الحرام وزيارة النبي عليه أفضل الصلاة وأكمل السلام. وفي لؤلؤة البحرين: وجدت في بعض الكتب المعتمدة في حكاية قتله رحمه الله ما صورته: قبض شيخنا الشهيد الثاني طاب ثراه بمكة المشرفة بأمر السلطان سليم (مّر أنه سليمان) ملك الروم خامس شهر ربيع الأول سنة ٩٦٥. وكان القبض عليه بالمسجد الحرام بعد فراغه من صلاة العصر وأخرجوه إلى بعض دور مكة وبقي محبوساً هناك شهراً أو عشرة أيام ثم ساروا به على طريق البحر إلى قسطنطينية وقتلوه بها في تلك السنة وبقي مطروحاً ثلاثة أيام ثم ألقوا جسده الشريف في البحر اهـ. وعن مقامات السيد نعمة الله الجزائري أنهم بنوا عليه بناء خارج استنبول يسمى مزار الدين اهـ فقتله قد كان خارج استنبول ومن قال إنه قتل في استنبول أراد ذلك توسعاً.

الاستبصار

فيما اختلف من الأخبار

للشيخ محمد بن الحسن الطوسي، المتوفى سنة ٤٦٩هـ: أحد المجاميع الحديثية الأربعة المعتمدة عند الإمامية، التي عليها مدار استنباط الأحكام الشرعية عند فقهاءهم منذ تصنيفه، يقتصر على الأخبار المختلفة فيها

تهذيب الأحكام

111717

لمحمد بن حسن الطوسي المتوفى سنة ٤٦٠ هـ (من كتب الشيعة الإمامية المعتمدة).
(الذريعة ٤: ٤٠٥) طبع بطهران سنة ١٣١٧ هـ وسنة ١٣٩٠ هـ وتكررت طبعاته (معجم
المطبوعات العربية في إيران: ٢٨٨).

أحمد بن إسماعيل الجزائري النجفي المتوفى سنة

١١٤٩ هـ (ذريعة ١٣: ١٥٦).

عبد اللطيف بن علي بن أحمد بن أبي جامع
العاملي (الذريعة ١٣: ١٥٧).

- شرح تهذيب الأحكام.

عبد الله بن محمد تقي المجلسي المتوفى سنة
١٠٨٤ هـ (الذريعة ١٣: ١٥٧).

- شرح تهذيب الأحكام.

عبد الله بن حسين التستري (ذريعة ١٣: ١٥٧).
- شرح تهذيب الأحكام.

أبو جعفر محمد بن حسن بن زين الدين المتوفى
سنة ١٠٣٠ هـ (ذريعة ١٣: ١٥٧).

- شرح تهذيب الأحكام.

وانظر بقية شروح تهذيب الأحكام في

الذريعة ١٣: ١٥٧-١٥٩.

- شرح تهذيب الأحكام.

محمد بن محمد شريف الأسترآبادي المتوفى سنة
١٠٣٦ هـ (ذريعة ١٣: ١٥٦).

- شرح تهذيب الأحكام.

محمد باقر بن محمد المجلسي المتوفى سنة
١١١١ هـ (ذريعة ١٣: ١٥٦).

- ملاذ الأخيار.

محمد تقي بن مقصود علي الأصفهاني المجلسي
المتوفى سنة ١٠٧٠ هـ (ذريعة ١٣: ١٥٦).

- إحياء الأحاديث.

محمد طاهر بن محمد حسين الشيرازي القمي
النجفي المتوفى سنة ١٠٩٨ هـ (ذريعة

١٣: ١٥٧).

- حجة الإسلام.

111717

KÜTÜB-i ERBAA

-
- 1 HASAN BASRİ YILDIZ, El-Kafi adlı eserin nikah bölümünün tenkitli neşri, Sakarya Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2008